

پژوهشی در آثار آقارضا جهانگیری* نگارگر ایرانی دربار جهانگیر شاه بابر

لیلا حقیقت جو**

کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۰/۴)

چکیده

مرقع گلشن یکی از نسخ منحصر به فرد نگارگری ایران است که در زمان جهانگیر شاه بابر در هند تهیه و مصورسازی شده است. علاوه بر این آثاری از نقاشان نامداری چون بهزاد، میرسید علی و عبدالصمد در آن گرد آمده است. آقارضا جهانگیری از جمله هنرمندانی است که به مانند سایر نخبگان زمان صفوی به هند مهاجرت نموده و در نقاشخانه سلطنتی دربار جهانگیر شاه بابر به خدمت مشغول گردید. بیشترین آثار خلق شده این هنرمند به گواهی امضاهای وی در آثارش به زمان شاهزادگی شاه مذکور تعلق دارد. در این دوره، او به دلیل خواست و علاقه شاه سلیم به مانند سایر نگارگران به تمرین و ممارست از روی نقاشی ها و گراورهای اروپایی پرداخت. علیرغم اینکه نگارگری های آقا رضا بسیار تحت تاثیر واقع گرایی نقاشی های غربی است، اما هرگز میراث و سنت های صفوی را رها ننموده و پابندی خود را بدان حفظ نمود. این مقاله بر آن است تا با استفاده از منابع موجود شامل: تصاویر آثار این هنرمند در مرقع گلشن کتابخانه نسخ کاخ گلستان و استفاده از کتب مرجع و دیگر منابع به روشن ساختن و معرفی آثار آقارضا جهانگیری هنرمند دربار جهانگیر شاه بابر بپردازد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است.

واژه های کلیدی

مرقع گلشن، آقا رضا جهانگیری، نگارگری هند و ایرانی، رقم، کاخ گلستان.

*این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده تحت عنوان «آقارضا جهانگیری هنرمند ایرانی دربار جهانگیر شاه بابر» می باشد که به راهنمایی جناب آقای دکتر یعقوب آژند به انجام رسیده است.
**تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۱۳۳۳۰، نمابر: ۰۲۱-۳۳۱۱۸۱۱، E-mail: leilahaqiqat@yahoo.com

مقدمه

زیبایی و نفاست آن در حاشیه هر صفحه از مشاهیر آن عهد نیز، تصاویر و مجالسی بسیارشگرف و بدیع نقش کرده‌اند. در دوره وی، هنر نگارگری هند راه خود را طی نمود و تعدادی هنرمند برجسته هندی و ایرانی در آن به ایفای نقش پرداختند. از جمله این نقاشان می‌توان به آقا رضا اشاره نمود که پس از فرخ بیک به همراه پسرش که گوی سبقت را از پدر ربود، به هند رهسپار شد. و آثاری زیبا و دلچسب از خود به یادگار نهاد که بیشترین تعداد این آثار یعنی ۱۲ اثر رقم دار این هنرمند در مرقع گلشن محفوظ در کاخ گلستان تهران است. از آنجا که بیشتر آثار بر جای مانده او به گواهی امضاهای موجود در آثارش که خود را "مرید پادشاه سلیم" خوانده، در زمان شاهزادگی جهانگیر (با لقب پادشاه سلیم در شهر ا... آباد به سر می‌برد) است، لذا تمرکز اصلی این مقاله بر روی این دوره محدود (حدود ۶ سال) بوده و نهایتاً به معرفی آثار هنرمند مذکور در این مرقع زیبا پرداخته خواهد شد.

مرقع گلشن^۱ یکی از نسخ منحصر به فرد کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان است که از نظر مطالعه تاریخ نقاشی ایران و هند، تاریخ سیاسی و مردم شناسی حائز اهمیت فراوانی است. این آلبوم یادگار دوره‌ایست که هنر و تمدن ایران در هندوستان مورد علاقه و توجه بود. مرقع فوق الذکر مجموعه‌ای از آثار خوشنویسی، نگارگری و تذهیب هنرمندان ایرانی و هندی را در خود جای داده‌است. علاوه بر اینکه برخی از خطوط و مجالس تصویری این مرقع از شاهکارهای استادان و هنرمندان مشهور ایران چون بهزاد می‌باشد که پیش‌تر برای همایون و اکبر از ایران به ارمنان برده شده بودند.

جهانگیر شاه جمعی از هنرمندان را مأمور کرده است که این آثار گرانبها را برای آنکه از دستبرد زمان در امان باشد به‌طرز بدیعی بصورت مرقع درآوردند. مذهبیان و مصوران و صحافان در نظم مرقع نهایت سلیقه و دقت و ظرافت را بکار برده‌اند و برای

۱- احوال و نام‌های مختلف آقارضا

رقم و امضای آقارضا^۲ در بیش از ۲۰ اثر ظاهر شده است که نمی‌توان آن را از نظر دور ساخت. باید اذعان نمود اطلاعات مکتوب معاصر این هنرمند را کمتر می‌توان یافت. در کتابی که ابوالفضل علامی نگاشته، نام بسیاری از هنرمندان زمان اکبر اعم از هنرمندان پایه یک و هنرمندانی که از اهمیت کمتری برخوردارند و شرح برخی آثارشان ذکر شده‌است، که هیچ نامی از آقارضا (هنرمند مورد بحث) در آن برده نشده‌است. همچنین در هیچ یک از کتب گلستان هنر قاضی احمد قمی و تاریخ عالم آرای عباسی اسکندر بیگ منشی؛ مورخان دربار صفوی نامی از وی برده نشده‌است.^۳

تنها کتابی که نام وی در آن برده شده، کتاب جهانگیرنامه یا توزک جهانگیری است که در واقع خاطرات جهانگیرشاه در آن نوشته شده است. سایر اطلاعات را شاید بتوان از رقم‌های موجود در زیر آثارش و بعضاً رقم‌هایی که در آثار فرزندان و شاگردانش بکار رفته بدست آورد.

این قبیل اطلاعات محدود شامل محل تولد و ولادت و مرگ، شاگردان و فرزندان می‌شود. نخستین اشاره چند خطی است که جهانگیرشاه هنگام تمجید از ابوالحسن فرزندان آقارضا در کتاب مذکور و در شرح جشن سیزدهمین نوروز پادشاهی خود می‌آورد که به قرار زیر است:

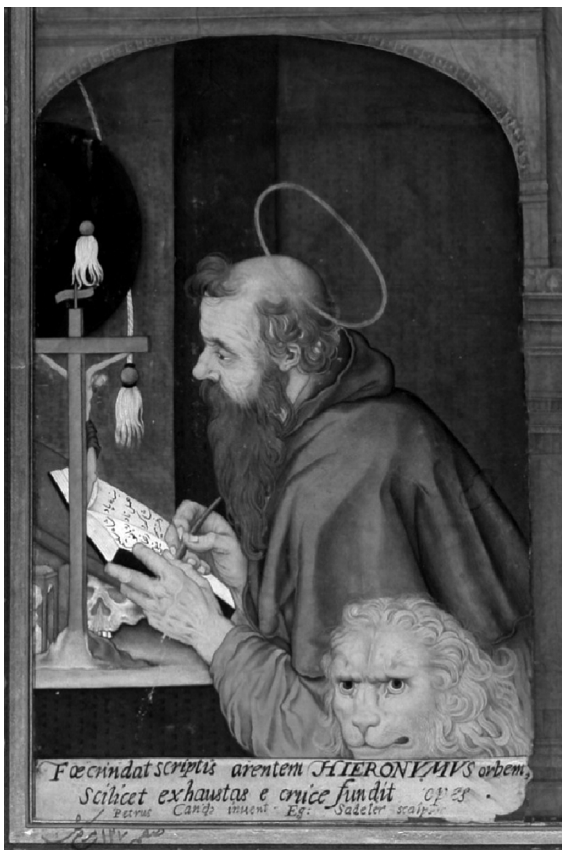
«در این تاریخ ابوالحسن مصور به خطاب نادرالزمانی سرفراز گشت. مجلس جلوس مراد دیباچه جهانگیرنامه کشیده، به نظر درآورد. چون سزاوار تحسین [و] آفرین بود، مورد الطاف بی کران گشت. کارش به عیار کامل رسیده و تصویر او از کارنامه‌های روزگار است. در این

عصر نظیر و عدیل خود ندارد. اگر در این روز اوستاد عبدالحی و اوستاد بهزاد در صفحه روزگار می‌بودند، انصاف کار او می‌دادند. پدرش آقا رضائی هروی در زمان شاهزادگی من به خدمت من پیوسته، او را نسبت خانه‌زادی به این درگاه است. غایتاً او را هیچ آشنایی و مناسبت به کار پدرش نیست، بلکه از یک عالم نمی‌توان گفت و مرا نسبت به او حقوق تربیت بسیار است. از صغر سن تا حال خاطر همیشه متوجه تربیت او بوده تا کارش به این درجه رسیده، الحق نادره زمان خود بوده» (جهانگیرشاه، بی تا، ۲۳۷).

دومین منبعی که با استناد به آن می‌توان تاریخ ولادت آقارضا را حدس زد، برگه‌ای در مرقع گلستان در نگاره "درویش و نجیب زاده باز به دست به شماره ۱۲۵۳۷ است". رقم اثر مذکور که در سمت راست و بالای تصویر بصورت عمودی نوشته شده است، بدین شرح است: "عمل مرید باخلاص آقا رضای جهانگیر پادشاه". گفتنی است که در سمت دیگر همین اثر عبارت "در سن شصت سالگی ساخته شد سنه ۱۰۳۰" نگارش یافته که از روی آن می‌توان تاریخ ولادت آقارضا را تقریباً سال ۹۷۰ هجری دانست (تصویر ۷). بر اساس نظر جهانگیر در توزک جهانگیری که هنرمند یادشده را "آقارضای هروی" خوانده، احتمالاً وی در هرات تولد یافته است. همچنین بنابر امضای ابوالحسن، فرزند ارشد نقاش، در یکی از آخرین آثارش که خود را بدین صورت "عمل العبد الحقیر نادرالزمان ابوالحسن مشهدی شاه جهانی" معرفی نموده، ممکن است آقارضا مدتی را در مشهد سپری کرده و نقاشی را در محضر اساتید این شهر آموخته و فرزندش ابوالحسن نیز در همانجا به دنیا آمده باشد. بیچ نیز در "کتاب نقاشی در دوره امپراطوری مغولان بزرگ در



تصویر ۱- اثری از نادره بانو، برگ شماره ۱۲۷ مرقع گلشن (بخش بزرگ نمایی شده).
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



تصویر ۲- اثر دیگری از نادره بانو به شماره ۵۱ مرقع گلشن (بخش بزرگ نمایی شده).
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)

هند“ همین نظر را بیان نموده است (Beach, 1987, 25). علاوه بر این در نگاره دیگری از ابوالحسن که در دوران نوجوانیش و در نسخه خطی انوار سهیلی کار شده چنین امضا شده است: “عمل ابوالحسن خاک آستان رضا” که شاید این امر نیز تاییدی بر این مدعا باشد. از سویی دیگر به گواهی امضای ابوالحسن، در نخستین طراحی اش (یک کپی از روی گراور سنت جان) در سن سیزده سالگی “رقم ابوالحسن بن رضامریدخانه زاد، در سن سیزده سالگی ۱۰۰۹ ق”، تاریخ تولد وی احتمالاً ۹۹۶ هجری بوده است (Das, 1978, 73). علاوه بر این وی در حاشیه آخرین آثارش که تصاویر رسمی شاه جهان است، یک بار رقم «خاندان زاده نادر الزمان مشهدهی سنه ...» و بار دیگر «عمل العبد الحقیر نادر الزمان ابوالحسن مشهدهی شاه جهانی» را آورده است. بنابراین می توان محل تولد او را مشهد دانست (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۰، ۲۵۸).

از این رو بنابر شواهد فوق، آقارضا به احتمال زیاد چندی پس از تاریخ یاد شده به هند عزیمت نموده و مستقیماً به خدمت شاهزاده سلیم درآمده است. بر اساس سبک و سیاق متاثر از نقاشی های اروپایی آثار این هنرمند که در حواشی مرقع گلشن است، می توان بر نظریه آخر صحه گذاری نمود. چرا که این امر خود تاییدکننده آن است که وی مدتی را به تمرین و کپی برداری از سبک های اروپایی پرداخته و آشنایی در خور توجهی با سبک های رایج کسب نموده است.

شایان ذکر می باشد که در هیچ منبعی به تاریخ مرگ این هنرمند اشاره نشده است. اما از آن جهت که از آقارضا هیچ اثر دارای رقم یا منسوب در دوره شاه جهان در دست نیست، می توان دریافت مرگ هنرمند مورد بحث در دوره پادشاهی جهانگیر بوده است.

در باب نام رضا و اینکه وی خود را بصورت “آقا رضا” در امضاهایش خوانده، شاید بدلیل این باشد که با رضای عباسی هنرمند هم عصرش اشتباه نشود. نام های بر جای مانده از او که در امضاهایش دیده می شود به شرح زیر است: “آقا رضای مصور”، “آقا رضا”، “رضا”، که در اکثر موارد به دلیل علاقه به شاه و اعلام تواضع خود را “مرید باخلاص پادشاه سلیم” یا “غلام باخلاص پادشاه سلیم”، “مرید باخلاص جهانگیر پادشاه”، “مشق کمترین رضا” معرفی نموده است.

نادره بانو یکی از شاگردان آقارضا در صفحه ۵۱ و ۱۲۷ مرقع گلشن دو اثر خود را این چنین امضا نموده است:

“عمل نادره بانو بنت میرتقی شاگرد آقا رضا”
“عمل بنده پادشاه سلیم نادره بانو دختر میرتقی شاگرد رضا”
(تصاویر ۱ و ۲).

همانگونه که در امضای فوق دیده می شود، نام “آقارضا” و یا “رضا” به تنهایی و بدون هیچ پسوند یا پیشوندی ذکر شده است. در برخی امضاها بکار رفته در آثار رضا عباسی کلمه “عباسی” در ادامه امضای وی دیده می شود که نشانگر اعطای لقب و مرحمت از سوی شاه عباس است که گفته مورخینی چون



تصویر ۳ - بخش بزرگ نمایی شده و مقایسه دست خط نادره بانو و آقا رضا. ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



تصویر ۴ - دست خط های مختلف در رقم های رضا.

حضور وی در ا... آباد ۲- سال هایی که مورد کم توجهی و بی مهری جهانگیر قرار گرفته بود ۳- اواخر عمر کاری وی و توجه مجدد جهانگیر به وی و اوج کاری او. متأسفانه از آثاری که آقارضا در ایران خلق نموده است، اطلاعی در دست نمی باشد و صرفاً یکسری آثار به وی منسوب است که بدون رقم بوده و مشخص نیست که آیا این آثار در ایران به تصویر درآمده یا در هند و مسلماً این گونه آثار باید با توجه به سایر آثار وی مورد بررسی واقع شوند. علاوه بر آن به استناد آثاری بر جای مانده از آقارضا که دارای رقم می باشد، ظاهراً بیشتر این آثار در دوره ای که شاه سلیم در اباد بوده است، به تصویر کشیده شده و تعداد اندکی از آنها دارای رقم جهانگیر است. این امر خود شاهی بر آن است که اکثر تصاویر در زمان شاهزادگی امپراطوری جهانگیر به تصویر کشیده شده است (یعنی اکثر آثار آقارضا در گروه اول جای می گیرند). از تعداد ۱۲ نگاره آقارضا در مرقع گلشن محفوظ در کاخ گلستان، تنها دو نگاره را می شناسیم که رقم "جهانگیر پادشاه" را داراست و باقی نگاره ها جز یک مورد که بدون رقم جهانگیر یا سلیم است، دارای رقم شاه

اسکندربیک موید همین نظر است. اما در ذیل امضای آقا رضا هیچگاه "رضا جهانگیری" یا "آقارضای جهانگیری" دیده نمی شود، بلکه کلمه "جهانگیر پادشاه" یا "پادشاه سلیم" در اکثر موارد در بالای امضای این هنرمند و یا در وسط نقاشی و جدای از نام وی دیده می شود که این امر بدین معنی است که شاه به وی لقبی اعطا نکرده بلکه هنرمند بدلیل تواضع به شاه خود را مرید و غلام و کمترین جهانگیر و یا سلیم پادشاه خوانده و به اعتبار اینکه در کارگاه سلطنتی مشغول کار بوده نام شاه را بالای امضای خود ذکر کرده است.

علاوه بر این در نوشته های کتب بررسی شده، مطلبی در این مورد که تاییدکننده اعطای لقب به رضا باشد، به چشم نمی خورد. جمله بیان شده توسط جهانگیر درباره آقارضا و فرزندش ابوالحسن نیز موید همین نظر است و جهانگیر، آقا رضا را بدلیل اینکه وی پدر ابوالحسن بوده، مورد خطاب قرار داده است. در مواردی که شاهان بابر نقاشی را مورد وثوق قرار می دادند به وی لقب اعطا می کردند. مانند عبدالصمد که در زمان اکبر لقب "شیرین قلم" را دریافت کرد و همواره در کارهای او امضای "عبدالصمد شیرین قلم" دیده می شود یا در مورد سایر هنرمندان مانند ابوالحسن فرزند رضا و استاد منصور از دیگر نقاشان جهانگیری که القاب "نادر الزمان" و "نادر العصر" را دریافت کردند.

عنایاتی که شاه به رضای مرید داشت، شاید بیشتر بخاطر فرزندش ابوالحسن بوده که او را شایسته اعطای لقب نادر الزمانی دانسته است. لذا ذکر نام هنرمند یاد شده بصورت "آقارضای جهانگیری" چندان مناسب به نظر نمی رسد، اما بدلیل پرهیز از اشتباه شدن نام هنرمند مذکور با رضا عباسی یا سایر هنرمندان همنام وی ناگزیر به بکارگیری پسوند جهانگیر پس از نام رضا هستیم.

۲- امضاهای رضا

بنا به تحقیق و بررسی های انجام یافته، خطوط بکار رفته در رقم های آقارضای مرید در برخی موارد یکسان نبوده و تعدد دست خط قابل تشخیص است حتی در آن اشتباه املایی نیز دیده می شود. با بررسی دست خط های بر جای مانده رضا و شاگردانش (که در امضای آثار دیده می شود) که در دوره سلیم انجام شده است، مشابهت دست خط ها را به وفور می توان مشاهده نمود. از این امر می توان دریافت، احتمالاً رقم هایی که در زیر نقاشی های رضا وجود دارد توسط فرد دیگری به نگارش درآمده باشد (تصاویر ۳ و ۴).

۳- محیط هنری و آثار آقارضا

زندگی هنری آقارضا را می توان در سه بخش مطالعه نمود. ۱- سال های کاری او قبل از امپراطوری جهانگیرشاه و در زمان شاهزادگی هنگامی که علیه پدرش طغیان کرده بود یعنی سال های



تصویر ۵- بخش بزرگنمایی شده حاشیه برگی از مرقع گلشن به شماره ۱۰۵.
ماخذ: (کتابخانه کاخ گلستان)

«حسب الحکم حضرت شاهنشاه جهان پناهی ظل الهی نور الدنیا محمد جهانگیر پادشاه غازی باهتمام مرید اخلاص آقارضا مصور، این بنای عالی صورت انجام یافت.» (ق. ۵۱۰۱۴)
[نگارش منقول بخط عبدالله مشکین رقم است بصورت خط نستعلیق بسیار ظریف و زیبا پیداست که آقا رضا چون مصور بود، خطاطی را بیک نفر اهل فن واگذار نمود (جغتایی، ۱۳۵۶، ۳۵).]
این کتیبه می‌تواند دال بر اهمیت و نقش آقارضا در خلال سال‌های حضورش در ... آباد باشد.

با توجه به اینکه سلیم علاقمند به آثار و نقاشی‌های اروپایی بود، هنرمندانش را به مطالعه سبک و آثار اروپایی تشویق نمود. در این میان آقارضا و شاگردانش نیز به دلیل علاقه شاهزاده به مطالعه و تمرین این نقاشی‌ها پرداختند، چنانچه در حاشیه برگی از مرقع گلشن محفوظ در کاخ گلستان اثری از او را می‌بینیم (در امضای اثر چنین نگاشته شده: "غلام به اخلاص شاه سلیم آقارضای مصور در بلده آکره در شاه برج فی تاریخ بیست و هشتم ماه رمضان سنه ۱۰۰۸ ساخت" (تصویر ۵) که به سبک رئالیستی بسیار نزدیک شده و تاثیر آثار اروپایی بر آن بسیار محسوس است. با وجود اینکه آقا رضا سبک‌های اروپایی را مطالعه کرده و در آثار خود نیز آنها را نمایان ساخته است، اما هرگز سبک صفوی خود را ترک نکرده و این امر نیز همواره در طول اقامتش در ... آباد مورد تشویق شاهزاده سلیم قرار می‌گرفت. اما ظاهراً زمانی که شاهزاده به امپراطوری رسید، از علاقه‌اش به سبک‌های رایج صفوی کاسته شد.

گرچه سبک بکار رفته توسط آقارضا در مقایسه با میرسیدعلی و عبدالصمد، پایبندی کمتری به سنت‌های صفوی داشت، همان‌طور که ذکر شد وی بنا به علاقه سلیم به مطالعه سبک‌ها و آثار اروپایی

سلیم می‌باشد. بنابراین می‌توانیم دو نگاره فوق الذکر را بدلیل ذکر سال در گروه آخر جای دهیم. در سایر نگاره‌های موجود در مراکز مختلف هنری نیز رقم شاه سلیم چشمگیرتر است. لذا این امر نقش و اهمیت رضا را در دوره مورد نظر بیان می‌دارد.

سال‌هایی که رضا مورد بی‌مهری جهانگیر قرار داشت را شاید بتوان سال‌های خاموشی رضا قلمداد نمود. البته این بدان معنی نیست که او هیچ اثری در این دوره خلق ننموده، بلکه همانگونه که ذکر گردید، بدلیل عدم وجود تاریخ در زیر محدود نگاره‌های برجای مانده از رضا این نظر بیان می‌گردد. احتمال اینکه بتوان هریک از آثاری از رضا که دارای رقم جهانگیر بوده ولی بدون ذکر تاریخ است، را به این سال‌ها نسبت داد نیز دور از ذهن نیست.

در خلال سال‌هایی که شاهزاده سلیم علیه پدرش شورش کرده بود (۱۰۰۸ ه.ق. و - ۱۶۰۰ م لغایت ۱۰۱۳ ه.ق. - ۱۶۰۵) هیچ گونه دسترسی به کارگاه پدر و نقاشان دربار وی نداشت. لیکن به عنوان یک حامی هنری، خودش دارای فکر و سبک و سیاق خاص خود بود. او کارگاه نقاشی خود را در الله‌آباد پایه ریزی کرد و نقاشانی را به خدمت گرفت. یکی از مریدان علاقمند به سلیم، آقارضا بود که به اعتقاد برخی از هنرشناسان مانند مایلو کلوند بیچ و خانم اوکادا در حدود سال ۱۵۸۴/م ۹۹۲ ه.ق. به هند رهسپار شده است (Beach, 1978, 35). ولی به اعتقاد برخی دیگر مانند خانم سوزان استرانگ، وی اندکی پیش از اولین اثر تاریخ‌دار یعنی قبل از ۱۰۰۸ هجری مستقیم به خدمت وی درآمده است (Stronge, 2002, 119). البته به اعتقاد نگارنده و با توجه به آثار عیدیه‌ای که از نامبرده در مرقع گلشن باقی است و بررسی سایر آثار وی، احتمالاً او یک یا دو سال پس از تولد فرزندش جلای وطن نموده و به همراه فرخ بیگ^۲ یکی دیگر از هنرمندان به هند مهاجرت نموده، ابتدا در دربار میرزا محمد حکیم بهادر برادر ناتنی اکبر شاه در کابل در آمده و از آنجا به دربار سلیم پیوسته است (Beach, 2011, 187). سبک اروپایی و نحوه مدل‌پردازی او نشان از ممارست وی در طول حداقل دو یا سه سال می‌دهد که این امر نیز خود موید نظریه فوق است.

گرچه همانطور که سابق بر این ذکر شد، نامی از آقارضا به عنوان هنرمند شاخص یا حتی هنرمند سطح پایین‌تر در هیچ یک از منابع مورخان معاصر بابر ذکر نشده، اما در امضایی که رضا از خود بجای گذاشته (حاشیه برگ شماره ۱۰۵ مرقع گلشن) عبارت "شاه برج" ذکر شده (تصویر ۵) که این عبارت بدلیل ریز بودن و ناخوانایی تا حدی که بررسی گردید، مورد توجه محققین واقع نشده است. از آنجا که علاوه بر مورد مذکور هنرمند به سال ترسیم و شهر "آکره" اشاره نموده است (این امر با رویدادها و حوادث خاص خود منطبق می‌باشد). لذا به نظر می‌رسد این نگاره در کاخ اکبر کشیده شده است.

بر اساس اتفاق نظر بسیاری از هنرشناسان ایرانی و خارجی جزئیات آشکار شده‌ای از مراحل زندگی آقارضا نشان می‌دهد که وی مهارت‌های مختلفی را به عنوان هنرمند دربار دارا بوده است. بر اساس کتیبه ای که سر در بنای یاد بود جهانگیر، عمارت باغ خسروی ... آباد وجود دارد؛ و در آن چنین نقش شده:

و بنا به رقم نوشته شده در حاشیه اثر احتمالاً این دو اثر از آخرین آثار هنرمند مذکور به حساب می‌آید. شایان ذکر است آثار دیگری از رضا وجود دارد که دارای رقم جهانگیر است ولی در مورد زمان قطعی اثر نمی‌توان قضاوت درستی انجام داد.

بیشترین سهم آثار آقارضا در مرقع گلشن است که به شرح زیر شامل آثار رقم دار وی است. این آثار را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم بندی نمود: الف) تصاویر متنی ب) تصاویر موجود در حواشی آثار که بیشتر خوشنویسی است. شایان ذکر است تصاویر بسیاری در مرقع گلشن می‌توان به وی منسوب دانست که خود مبحثی مستقل را می‌طلبد.

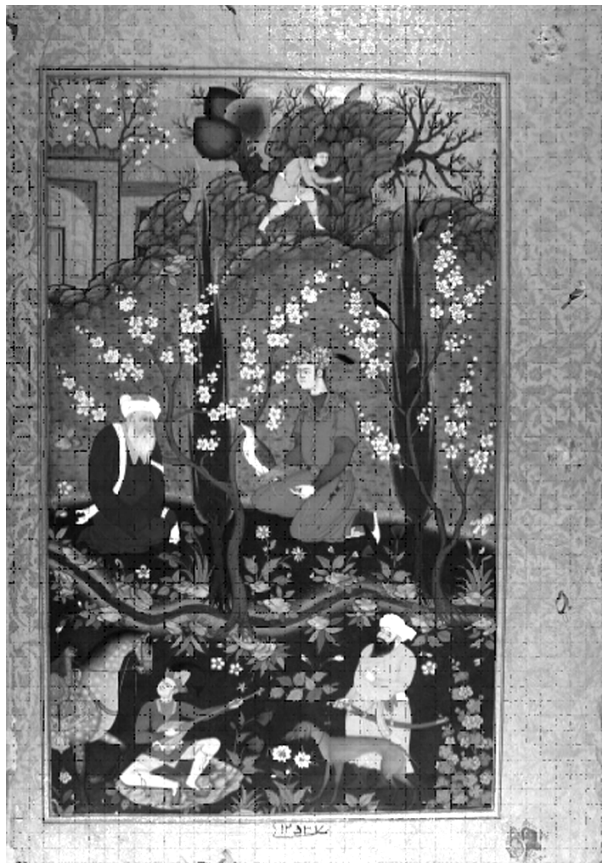
الف) تصاویر متنی: ۱. تصویر شاهزاده در باغ (تصویر ۱۲) ۲. شاهزاده باز بدست و درویش (تصویر ۷) ۳. بزم شاهی (تصویر ۸) ۴. روشن ضمیر و جوان خوبرو (تصویر ۹) ۵. امیر و زاهد در بیابان (تصویر ۱۰) ۶. پادشاه در حال غذا دادن به گوزن (تصویر ۶) ۷. تفرجگاه (تصویر ۱۱)

ب) تصاویر موجود در حواشی: نگاره‌های موجود در ۷ حاشیه از صفحات مرقع گلشن شامل: صفحه ۱۰۵ (تصویر ۱۳)، صفحه ۲۹ (تصویر ۱۴)، صفحه ۱۸۹ (تصویر ۱۵)، صفحه ۱۴۵ (تصویر ۱۶)، صفحه ۱۵۲ (تصویر ۱۷).

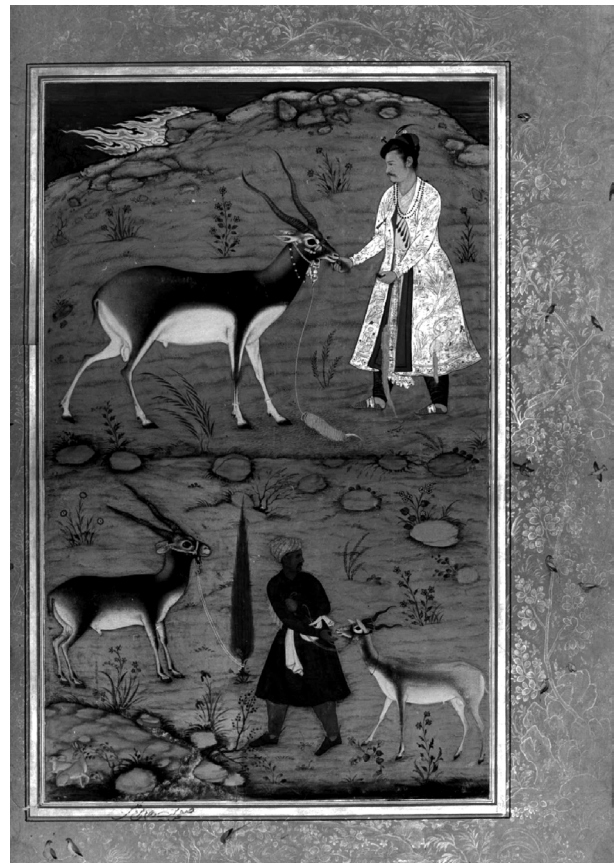
پرداخت. هنرمندان دربار سلیم در خلال سال‌های حضور در آباد به سرپرستی آقارضا و شامل افرادی چون میرزا غلام، فرزند وی ابوالحسن و برخی از شاگردان آقارضا مانند صحیفه بانو و نادره بانو بوده‌اند. شایان توجه آنکه در تصاویر برجای مانده در مرقع گلشن، تصاویر متعددی از رضا و شاگردانش یافت می‌شود که نام شاه سلیم در انتهای رقم آنها دیده می‌شود و کاملاً به سبک فرنگی است و این امر خود موییدی بر نظر مزبور است.

«شاه جدید یک هفته پس از مرگ پدر به آکره بازگشت و در سال ۱۰۱۳ هجری قمری تاجگذاری نمود، بنابراین کلیه میراث امپراطور گذشته اکبرشاه از جمله کتابخانه و کارگاه هنری وی نیز به وی رسید. آثار اصیل و نفیس توسط نقاشان بزرگ دربار تهیه شد که مطمئناً در تغییر سلیقه و کنار گذاشتن سبک سنتی آقا رضا و شاگردانش موثر واقع شد» (Okada, 1992, 106).

با وجود هر تاثیری که سبک محافظه کارانه (نیمه سنتی) آقارضا در سلیقه سلیم و مسیر نقاشی سال‌های آباد داشته است، در دوره‌های چندساله مورد بی‌توجهی جهانگیر قرار گرفت ولی مجدداً در سال‌های ۱۰۲۹ یا ۱۰۳۰ هجری مورد تشویق وی قرار گرفت. که دو اثر برجای مانده در مرقع گلشن و تنها آثار آقارضا در این مرقع که رقم جهانگیر در آن ثبت شده است، زاییده همین دوره می‌باشد



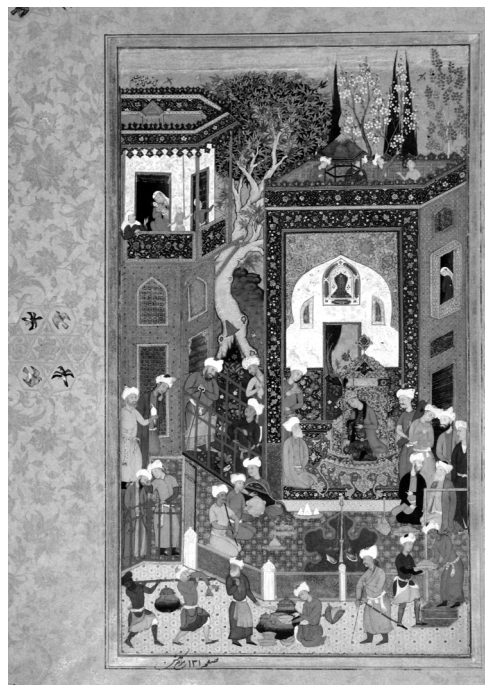
تصویر ۷ - شاهزاده باز بدست و درویش، برگی از مرقع گلشن به شماره ۱۲۵۳۷، اثر آقا رضا، محل نگهداری: کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان. مآخذ: (کتابخانه کاخ گلستان)



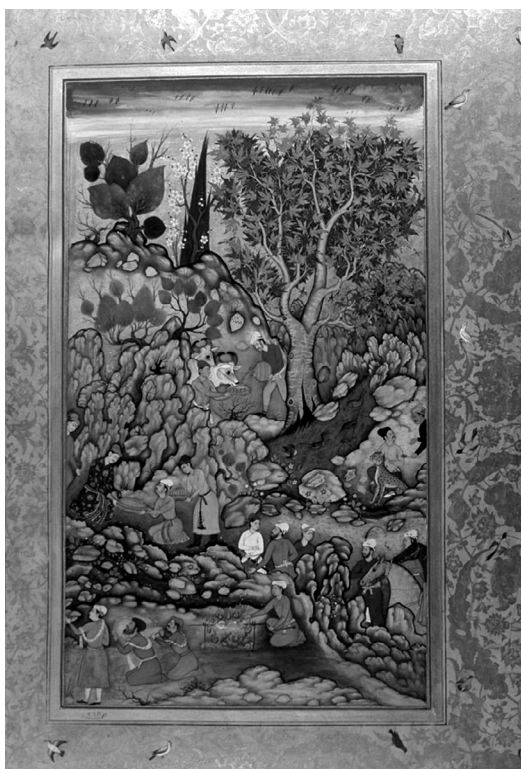
تصویر ۶ - شاه و (غزال)، اثر آقا رضا، صفحه ۲۲ مرقع گلشن، کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان. مآخذ: (کتابخانه کاخ گلستان)



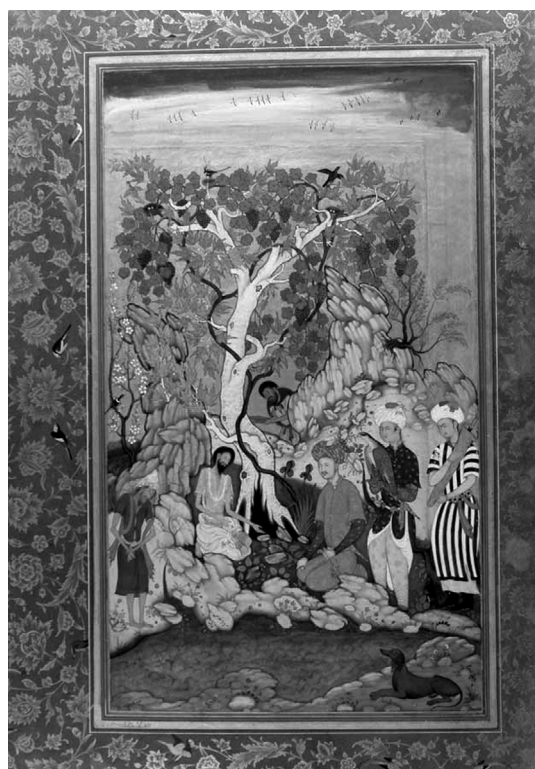
تصویر ۹- روشن ضمیر و جوان خویرو، صفحه ۲۶ مرقع گلشن، کتابخانه نسخ
خطی کاخ گلستان، ماخذ: (کتابخانه کاخ گلستان)



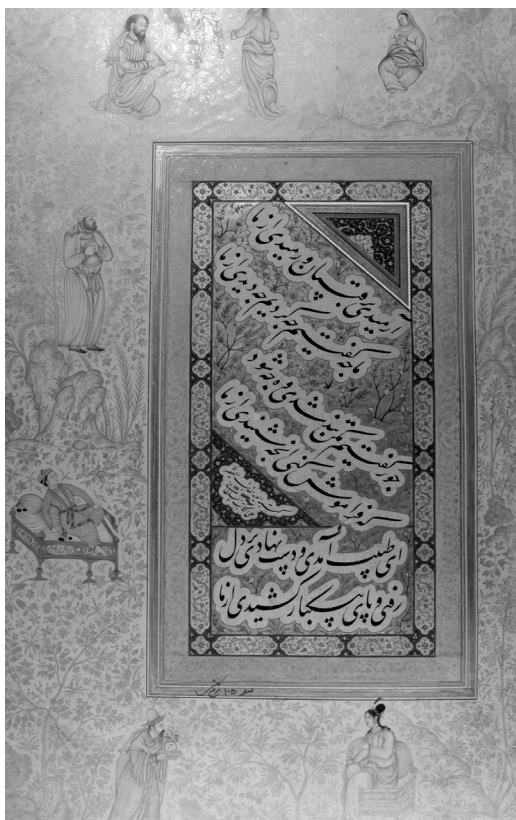
تصویر ۸- بزم شاهی، صفحه ۱۳۱ مرقع گلشن،
ماخذ: (کتابخانه کاخ گلستان)



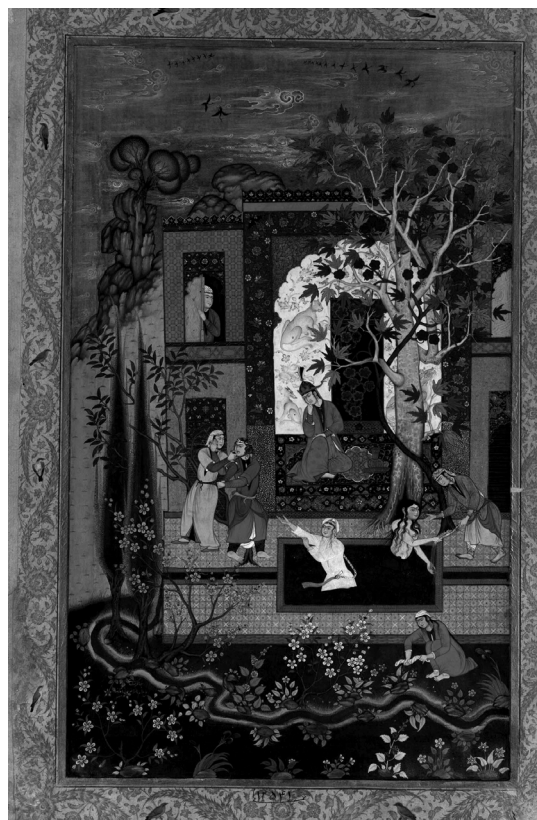
تصویر ۱۱- تفرجگاه، صفحه ۲۱۸ مرقع گلشن،
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



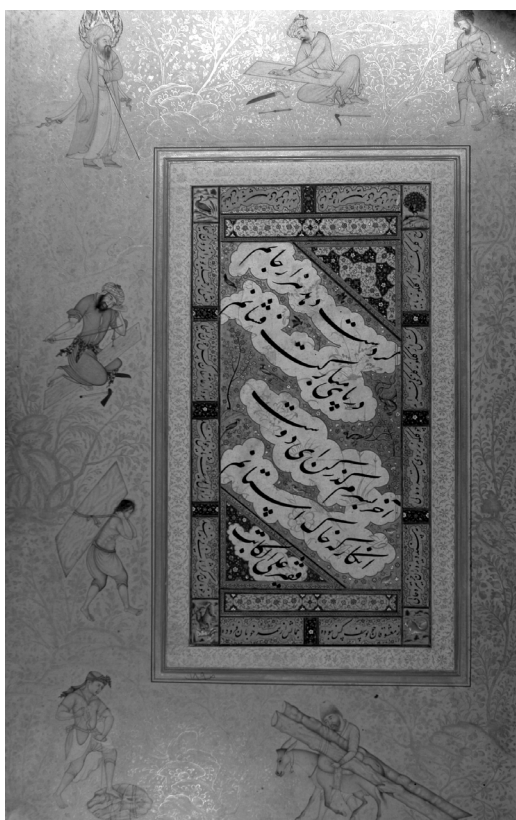
تصویر ۱۰- امیر و زاهد در بیابان، صفحه ۱۸۷ مرقع گلشن،
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



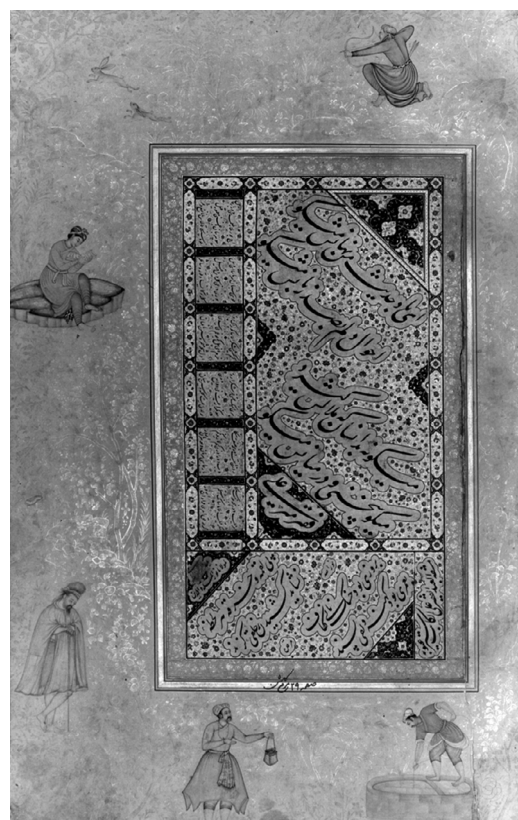
تصویر ۱۳- پرسناژها در حاشیه صفحه ۱۰۵ مرقع گلشن.
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



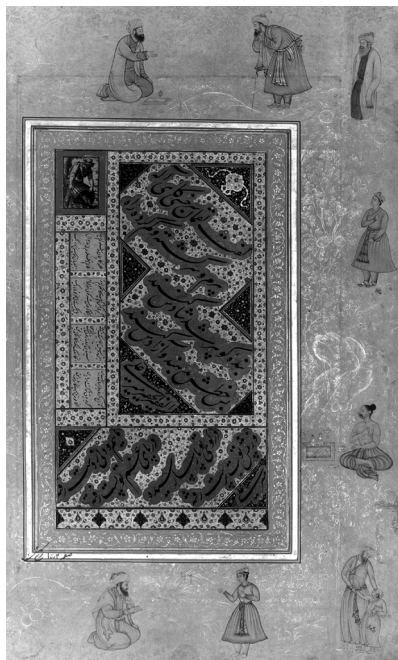
تصویر ۱۲- شاهزاده در باغ، مرقع گلستان، شماره ۱۲۵۴۱.
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



تصویر ۱۵- فیگورها در حالات مختلف، صفحه ۱۸۹ مرقع گلشن.
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)



تصویر ۱۴- فیگورها در حالات مختلف، صفحه ۲۹ مرقع گلشن.
ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان، تهران)



تصویر ۱۷- فیگورها در حالات مختلف به همراه گراوری که کنار متن خوشنویسی شده، حواشی صفحه ۱۵۲ مرقع گلشن.



تصویر ۱۶- فیگورها در حالات مختلف، صفحه ۱۴۵ مرقع گلشن، ماخذ: (کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان)

نتیجه

می‌شد. سرپرستی نقاشخانه یاد شده را آقارضا برعهده داشت. نکته قابل توجهی که در مرقع گلشن می‌توان مشاهده نمود، وجود مکرر و حائز اهمیت هم‌نگاره‌های اصلی و هم‌کپی‌هایی است که در واقع شاگردانی که بعدها خود به استاد بدل شدند از روی اصل کشیده‌اند. در میان این آثار هم می‌توان آثار اساتید نگارگری ایرانی مانند بهزاد و عبدالصمد را دید که هنرمندان دیگر از روی آن مشق نموده‌اند. مانند جنگ شتران بهزاد و جنگ شتران نانا که از روی اثر بهزاد کپی شده است. این دو صفحه هر دو در مقابل هم و در مرقع گلشن قرار گرفته‌اند. یا گراورهای اروپایی که هم اصل و هم کپی عین به عین با تغییر اندک به‌طور هم‌زمان در مجموعه مرقع گلشن قرار دارد. روال ذکر شده در مورد آثار آقارضا نیز صادق است. لذا او نیز از روی گراورها و نقاشی‌های غربی کپی‌برداری می‌نمود. طبعاً از آنها متأثر می‌شد، تا بتواند نظر شاه را تأمین نماید. علاوه بر تأثیر سبک اروپایی در آثار وی که به‌ویژه در نقاشی‌های حاشیه‌ای به خوبی دیده می‌شود. در بخش‌هایی از سه اثر حاشیه‌ای او گراور نیز بکار رفته که باز خود شاهدهی بر این مدعاست. اما در مورد نقاشی‌های این نگاره‌های متنی اثر و تأثیر نگارگری ایرانی را به‌طور غالب به وضوح می‌توانیم مشاهده کنیم. نگاره بزم شاهی کاملاً به سبک نگارگری ایرانی و متأثر از مکتب هرات است. در دیگر نگاره‌های او به خوبی می‌توان عناصر بصری و رنگمایه‌های ایرانی را علاوه بر تأثیرات اروپایی به مشاهده نشست. همین امر اثبات می‌کند علیرغم اینکه آقارضا به تمرین سبک‌های غربی پرداخته و رئالیسم را به نوعی در آثارش آورده، اما همچنان پای‌بندی خود را به سبک‌های رایج صفوی حفظ نموده است.

دو دوره تاریخی در دو سرزمین ایران و هند عصر صفوی و بایری دوران با شکوه و عظمت فرهنگ و هنر اسلامی را رقم زد. اما شرایط بعضاً بی‌ثبات سیاسی این برهه تاریخی سبب گردید تا برخی از هنرمندان و سایر نخبگان اجتماعی و علمی به کشورهای همجوار من‌جمله هند رهسپار شوند. در میان این هنرمندان، هنرمند مورد بحث این مقاله یعنی آقارضا نیز قرار دارد که به همراه فرزند ارشدش ابوالحسن در زمان امپراطوری اکبرشاه رهسپار هند گردید و به خدمت شاهزاده سلیم درآمد.

در میان شاهان هنر دوست بابر، اکبرشاه و جهانگیرشاه هر دو علاقه بسیار زیادی به نقاشی داشتند و همین امر سبب شد آنها هنرمندان را از نقاط مختلف آسیا، اروپا و هند با گرایش‌های متفاوت در کنار هم داشته باشند. پس از ورود اساتید نگارگری چون عبدالصمد و میرسیدعلی نگارگری که در زمان همایون شاه؛ پدر اکبر شاه؛ به هند و تعلیم هنرمندان هندی، نگارگری این سرزمین متحول گردیده و نگارگری هند و ایرانی شکل گرفت. اما بعدها به‌ویژه در اواخر حکومت اکبرشاه و دوران جهانگیر با ورود آثار غربی، رنگ و بوی ایرانی به تدریج کاسته شد. از سویی دیگر، رئالیسم غربی و پرسپکتیو و شیوه‌های رنگ‌پردازی وارد هنر نگارگری هند شد. رنگ‌های خالص و تیره جای خود را به سایه‌پردازی و رنگ‌های ملایم داد.

در این میان هنرمندان با تمرین و الگوبرداری از گراورها و نقاشی‌های وارد شده به دربار اکبر و جهانگیر از روی آنها کپی‌برداری نمودند. امر کپی‌برداری در دوره جهانگیر با شدت و حدّت بیشتری دنبال شد. این امر در دوران شاهزادگی شاه مذکور که با نام شاه سلیم، در نقاشخانه خود در الله آباد نیز به خوبی پیگیری

Beach, M.C & Welch, S.C (1987), *Early Mughal Painting*, USA: Asia society.

Das, A. K. (1978), *Mughal Painting During Jahangir's Time*. Calcuta, India: The astatic society.

Okada, Amina (1992), *Imperial Mughal Painters*, Flammarion, France: Paris.

Stronge, S (2002), *Painting for the Moughal Emperor*, The art of the book (1560-1660), London: V&A publication.

Wilkinson, J.V.C. (1930), *The lights of Canopus*, New York: William Edwin Rudge.

Beach, M.C (2011), *Farrukh Bek*, Masters of Indian Painting catalogue, Published in conjunction with an international exhibition at the Museum Rietberg Zürich and the Metropolitan Museum of Art, New York

پی نوشت ها

۱ آنچه امروزه به نام مرقع گلشن شهرت دارد، در واقع دربردارنده مجموعه‌ای ۱۳۶ قطعه‌ای (دو رو و ۲۶۲ صفحه) است که در واقع ترکیبی از دو مرقع دربار بابری هند است. یعنی همان مرقع گلشن و گلستان. از این تعداد ۱۰۱ قطعه در اندازه رحلی به ابعاد ۲۵*۴۰ سانتی متر است، به علاوه ۵۴ برگ از مرقع گلستان به اندازه ۲۶/۵*۴۲/۵ سانتی متر می‌باشد. اما به دلیل اینکه صفحات آغازین و خاتمت این دو نسخه مشخص نیست و شباهت بسیار زیاد سبک و سیاق این دو نسخه به هم بقدری است که تفکیک این دو نسخه را تقریباً ناممکن ساخته است. لذا محققین آن را یک نسخه فرض می‌کنند و در کاخ گلستان نیز به همین روال یعنی یک نسخه خطی و با یک شماره اموال مشخص شده است. اما آگاهان بسیاری همچون بدری اتابای از صفحه یک تا صفحه ۱۷۶ را جزو مرقع گلشن و از صفحه ۱۷۷ به بعد را مرقع گلستان دانسته‌اند. از تعداد دقیق صفحات این دو مرقع اطلاع دقیقی در دست نداریم ولی آنچه معلوم است، بیشترین اوراق این مرقع در کاخ گلستان است و اوراق دیگری در مراکز هنری دنیا پراکنده هستند که منسوب به مرقع گلشن می‌باشند. از این جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۲۵ برگ قطعه دو رو در کتابخانه استس بیلیو تک برلین، ۶ قطعه دو رو در موزه موسسه اسمیتسونیان واشنگتن و ۵ قطعه دو رو در موزه اسلامی قطر، سه برگ در موزه نلسون اتکینز تگزاس و ... اشاره نمود.

۲ در کتب یاد شده از نام آقارضا و توصیف پدر وی علی اصغر کاشی یاد شده است که با نام رضا عباسی مطابقت دارد. در صورتی که برخی مورخین مانند جغتایی این ویژگی‌ها را به اشتباه به رضای جهانگیری نسبت داده‌اند. این در حالیست که خانم شیپلا. کینی در کتاب خود تحت عنوان رضا عباسی هنرمند سرکش کاملاً زندگی رضا عباسی را تشریح نموده و به درستی این هنرمند را از نام‌های دیگر تفکیک نموده است.

۳ در سال ۱۰۰۸ هجری (۱۶۰۰ م) اکبر شاه برای لشکرکشی اکبره را ترک نموده بود، جهانگیر علیه پدر شورید و خود را شاه نامید لذا در آثار هنرمندان تحت نظر وی عبارت "شاه سلیم" دیده می‌شود.

۴ فرخ حسین مصور در سال ۹۵۱ هجری (۱۵۴۵ م) در ایران به دنیا آمد و در سال ۱۰۲۸ هجری (۱۶۱۹ م) در هند چشم از جهان فرو بست. او ابتدا به دربار میرزا محمد حکیم برادر ناتنی اکبر شاه بابری در کابل پیوست و سپس به خدمت اکبر در لاهور در آمد. در خلال سال‌های ۹۹۸ تا ۱۰۱۳ هجری از دربار بابریان خارج شده و به نزد ابراهیم عادل شاه در بیجاپور در آمد و مجدداً از بیجاپور به نزد جهانگیر شاه بابری بازگشت (Beach, 2011, 188).

فهرست منابع

جغتایی، ع. (بدون تاریخ)، آقارضا مصور، هلال، ج ۴.
جهانگیر شاه، (بدون تاریخ)، توزک جهانگیری، چاپ سنگی، محل انتشار هند
کریم زاده تبریزی، م. ع. (۱۳۷۰). آثار و احوال نقاشان قدیم ایران و برخی مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، لندن.
آرشیو کتابخانه نسخ خطی کاخ گلستان.

Beach, M.C & Welch, S.C(1978), *The Grand Mughal Imperial Painting in India*, Massachusetts: Sterling and Francine Clark Art Institute, Williamstown.